

## مدل پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس خودشناسی و عشق با میانجیگری هوش هیجانی

ایران صادقی<sup>۱\*</sup>، افشین صلاحیان<sup>۲</sup>، مهدیه صالحی<sup>۳</sup>

### چکیده

این پژوهش با هدف سلامتی خانواده و کاهش تعارضات زناشویی به بررسی مدل پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس خودشناسی، عشق با میانجیگری هوش هیجانی پرداخت که توصیفی-همبستگی و از نوع مدل یابی معادلات ساختاری بود. که بوسیله نمونه گیری خوشه ای به صورت تصادفی از زوجین درگیر تعارضات زناشویی مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر تهران در سال ۱۴۰۰، ۲۴۸ نفر نمونه (۱۱۵ زن و ۱۳۳ مرد) انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده برای جمع آوری اطلاعات پرسشنامه تعارضات زناشویی ثنایی و همکارن (۱۳۹۶)، پرسشنامه خودشناسی قربانی و همکاران (۲۰۰۸)، پرسشنامه عشق استرنبرگ (۱۹۸۶)، پرسشنامه هوش هیجانی سیریا شرینگ (منصوری، ۱۳۸۰) بود. داده‌های پیمایش پس از گردآوری با استفاده از نرم افزار SMART.PLS و از طریق مدل سازی معادلات ساختاری به شکل بدون خرده مقیاس تجزیه- تحلیل شدند. یافته ها حاکی از آنست که متغیرهای خودشناسی، عشق توانستند واریانس هوش هیجانی را با مقدار ۴۷/۲ درصد تبیین کنند و این دو متغیر همراه متغیر هوش هیجانی میانجی توانستند واریانس تعارضات زناشویی را با مقدار ۶۸/۲ درصد پیش بینی کنند، همچنین نقش میانجی‌گری هوش هیجانی در هر دو مسیر معنی دار بود. نتایج نشان داد که مدل پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس خودشناسی، عشق با میانجیگری هوش هیجانی دارای برازش مطلوب است. با توجه به نتایج این مطالعه تدوین یک پروتکل آموزشی - درمانی دقیق برای زوجین با هدف کاهش تعارضات زناشویی و افزایش سلامت جامعه پیشنهاد می‌شود.

### کلید واژگان

تعارضات زناشویی، خودشناسی، عشق،

هوش هیجانی

۱. نویسنده مسئول: گروه روان‌شناسی عمومی، واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. [irsadeghi96@gmail.com](mailto:irsadeghi96@gmail.com)

۲. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران [salahianafshin@pnu.ac.ir](mailto:salahianafshin@pnu.ac.ir)

۳. استادیار گروه روان‌شناسی، واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. [iranpour1000@yahoo.com](mailto:iranpour1000@yahoo.com)

## مقدمه

زندگی زناشویی یکی از نیازهای بشری است که از دو نفر با توانایی‌ها و استعدادهای متفاوت و با نیازها و علایق مختلف و با شخصیت‌های گوناگون تشکیل شده است (هاجنال<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷). یک رابطه زناشویی صمیمی آن است که زوجین یاد بگیرند با هم ارتباط برقرار کنند و با هم متفاوت باشند (حسینی و رسولی و داورنیا و بابایی گرم خانی، ۲۰۱۶). اما به دلیل ماهیت روابط متقابل همسران و شخصیت منحصر به فردی که هر یک از زوجین دارند، فرد نمی‌تواند یا نمی‌خواهد مسائل را دقیقاً به همان شیوه‌ای که فرد دیگری می‌بیند، ببیند؛ بنابراین، احتمال بروز دیدگاه‌ها و خواسته‌های متضاد وجود دارد و بدیهی است که اختلاف دیدگاه روی دهد یا نیازها برآورده نشوند؛ در نتیجه‌ی چنین وضعیتی همسران نسبت به یکدیگر احساس خشم، ناامیدی و ناخشنودی می‌کنند و تعارضات رخ می‌دهد، بنابراین، با توجه به ماهیت رابطه زوجین پدید آمدن اختلاف و تعارض در رابطه‌ی زناشویی طبیعی است (ام بی وایرد<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸). مفهوم تعارض<sup>۳</sup> به عدم توافق بین همسران برمی‌گردد و بدین معناست که فرد بین اهداف، انتظارات و نیازها یا امیال شخصی خود و طرف مقابلش ناهمسازی و ناهمخوانی می‌بیند. اگر در رابطه زناشویی و وقتی که همسران به عنوان زوج نقش‌های خود را بر عهده می‌گیرند ممکن است بعضی از آن‌ها محقق شود و بعضی ناتمام بماند، لذا وضعیت تنش و استرس بین همسران ایجاد می‌شود (تُلوونلک<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴). امروزه علل تعارضات زناشویی به یک مسئله بسیار مهم که بر رابطه هر زن و شوهری تأثیرگذار است تبدیل شده است (محمدی و حافظی و احتشام زاده و افتخار سادی و بختیار پور، ۲۰۲۰). پیترموناکو و اورال و بک و پاورس<sup>۵</sup> (۲۰۲۱)، وقوع تعارض بین زن و مرد را وابسته به منابع قدرت آن‌ها و نیز استرس‌هایی که در طول زندگی آن‌ها رخ می‌دهد نسبت می‌دهند. با توجه به روند صعودی طلاق طبق آمار منتشر شده در ایران از هر ۵ ازدواج در کشور، یک مورد منجر به طلاق می‌گردد که شکست ۲۰ درصدی در هر ازدواج را نشان می‌دهد. روند طلاق در سالهای اخیر رشد چشمگیری داشته و حالت صعودی به خود گرفته است و از طرفی آمار ازدواج با روند نزولی در حال رشد است (عرب و ابراهیم‌زاده پزشکی و مروتی شریف آبادی، ۱۳۹۳) که با بی‌توجهی به مسئله‌ی تعارضات زناشویی و افزایش آمار طلاق از این پس باید منتظر دیگر پیامدهای منفی آن بود. بنابراین، برای حل مشکل نیاز به شناسایی دقیق مسئله و مشخص کردن دلایل تعارضات زناشویی است. چند عامل مهمی که با توجه به مطالعات انجام شده در این مقاله به آن پرداخته شده است، متغیر عشق، خودشناس و هوش هیجانی می‌باشد که به ترتیب به آن‌ها می‌پردازیم. روابط نزدیک و عاشقانه، از جمله عواملی است که بر سلامت روان و نیز رضایتمندی و تعارضات زوجین اثر مستقیم دارد به طوری‌که آنچه در ازدواج مهم است ظهور ابعاد سه‌گانه عشق است و نزدیکی بین دو نفر زمانی رخ می‌دهد که به یکدیگر پاسخگو باشند و خود را فاش کنند و با فرایند تعاملی نهایتاً تکامل ویژگی‌های ذاتی انسان از جمله پیوند زدن، جفت‌گیری ذاتی، دلبستگی و مراقبت از خود صورت می‌گیرد و عشق تلفیق صمیمیت، اشتیاق، و تعهد است و روندی برای کشف معنا در زندگی و رشد فردی و اجتماعی است (کورودوتیس<sup>۶</sup>، ۲۰۱۵). همچنین ترکیب سه عنصر عشق، انواع مختلف عشق را به وجود می‌آورد و هنگامی که همه‌ی عناصر به طور متوازن حضور داشته باشند، کاملترین نوع عشق تمام عیار به وجود می‌آید؛ اما باید به این امر توجه شود که در روابط نزدیک عشق تنها یکی از عواملی است که سبب موفقیت در رابطه می‌شود نه همه‌ی آن و

1. Hajnal
2. Mbwirire
3. Conflict
4. Tolorunleke
5. Pietromonaco, Overall, Beck, Powers
6. Kordoutis

همواره موارد دیگری در ایجاد رضایتمندی دخیل می‌باشند (کاراندانگ و گودا<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵). متأسفانه مشاهده زندگی زناشویی افراد در سطح جامعه و مطالعه پژوهش‌های موجود در این زمینه بیانگر آن است که در همه‌ی زندگی‌های خانوادگی، فضای صمیمانه، آرامش، محبت و عشق برقرار نیست و تفاهم بین همه‌ی زوجین وجود ندارد، یعنی رضایت از زندگی برای اکثر افراد تأمین نمی‌شود. این امر می‌تواند حاصل عدم درک صحیح از دیدگاه یکدیگر و نداشتن آگاهی کافی از مفهوم عشق و صمیمیت باشد (آرین فر و پورشهریاری، ۱۳۹۶). همچنین فروم<sup>۲</sup> شناخت را اساسی‌ترین عنصر عشق می‌شمرد و هر عشق بدون معرفتی را کور می‌خواند و همواره عشق و خود را در کنار هم و ملازم یکدیگر قرار می‌دهد، عشق محصول شناخت است اما بدون عشق و عشق ورزی چنین ادراکی حاصل نمی‌شود و راهی است که انسان را به آگاهی از رازها سوق می‌دهد، همچنین عشق عامل شناخت است و از نظر او سلامت انسان در گرو درک حقیقت است (صادقی، صلاحیان، صالحی، ۱۴۰۱). از طرفی خودشناسی یکی از مهمترین مهارتهایی است که به طور ویژه در کاهش تعارضات زناشویی یاری‌رسان است. خودشناسی ظرفیت فهم زمانمند و انسجامی فرآیندها و تجارب درونی خود است که به فرد امکان درک توانمندی‌هایش را می‌دهد تا با سازماندهی افکار و احساسات، مناسب‌ترین فعالیت‌ها را برای رسیدن به نتایج مطلوب، شناسایی و انتخاب کند (قربانی و واتسون و هارگیس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵). خودشناسی، آگاهی به تجارب کنونی و مرتبط ساختن آن‌ها با گذشته است. این عامل نمایانگر توانایی خودآگاهانه در مهار خشم و اجتناب از اموری است که بعدها سبب پشیمانی می‌شود (امیدیکی و خلیلی و غلامعلی لواسانی و قربانی، ۱۳۹۳). خودشناسی در اصل آگاه شدن از نیازهای اساسی و روان‌شناختی انسان است که در سه دسته نیازهای جسمانی، نیازهای روانی و نیازهای روحی خود را آشکار می‌کند همچنین ویژگی‌ها و نیازهای زنانه و مردانه را از هم متمایز می‌کند که با درک هم در رابطه‌ی زناشویی نهایتاً جهان بینی و ایدئولوژی انسان را در جهت ارزشهای واقعی سوق می‌دهد تا به رشد و شکوفایی برسد و به تعهد واقعی دست یابد (جاوید، ۱۳۹۲). به طوریکه داشتن تعهد و شناخت نیازهای بنیادین روان‌شناختی و به تبع آن انتظارات واقع بینانه و عملکرد مطلوب فاکتورهای مهمی برای بهزیستی و رضایت از زندگی همه‌ی افراد است و نقش مهمی هم در ارتباط و رضایت زناشویی ایفا می‌کند که فرایندهای مربوط به خودشکوفایی در انسان‌ها را تسهیل می‌کنند (بزازیان، خان محمدی، امیری مجد، قمری، ۱۳۹۷). اهمیت خودشناسی، ضرورت ورود آن‌ها را به حوزه‌ی تعارضات زناشویی نشان می‌دهد. در ارتباط با اثر افزایش هوش هیجانی بر کاهش تعارضات زناشویی، مایر<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۰۰) دریافتند که ابعاد مهم هوش هیجانی، اطمینان به خود، خوش بینی و تعادل هیجانی است. افراد دارای هوش هیجانی بالا خودکنترلی و خودانگیزی بالایی دارند، زندگی آن‌ها معنادار است و اصولی و مسئولیت پذیر هستند، عواطف خود را به درستی ابراز می‌کنند، قانع و نسبت به دیگران حساس و مراقب هستند، زندگی هیجانی پربار و متعادلی دارند، خودانگیخته و با نشاط هستند و تجارب جدید را می‌پذیرند (اوانس و هوگس و استپتوارن<sup>۵</sup>، ۲۰۲۰). همچنین بین هوش هیجانی و سبک‌های عشق ورزی و کیفیت روابط زناشویی ارتباط معناداری وجود دارد بطوریکه کفایت‌های عاطفی و توان تحمل‌تندگی، حل مشکلات روزانه را افزایش می‌دهد و نقش بسزایی در کاهش تعارضات زناشویی و رضایت از زندگی را ایفا می‌کند (قهاری سید محله، ۱۳۹۶).

1. Carandang and Guda

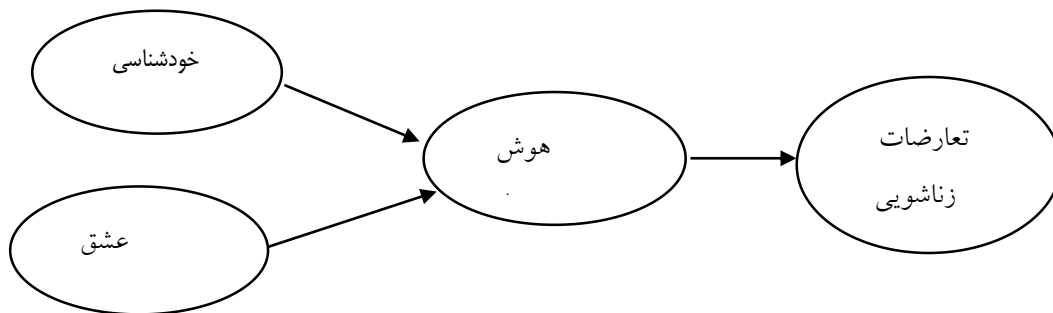
2. Fromm

3. Ghorbani, Watson, Hargis

4. Mayer

5. Evans, Hughes, Steptoe-Warren

با توجه به پژوهش‌های انجام شده در حوزه تعارضات زناشویی ارتباط متغیرهای عشق، خودشناسی، هوش هیجانی هر یک به طور جداگانه و مستقیم یا غیر مستقیم با تعارضات زناشویی به نوعی بررسی شده بود اما بررسی آن‌ها در یک پژوهش به صورت مدلیابی وجود نداشت و با توجه به سلامت جامعه و ضرورت مطالعه در حوزه تعارضات زناشویی و بررسی عمیق‌تر، این مطالعه با هدف بررسی هر سه متغیر خودشناسی و عشق و هوش هیجانی در ارتباط با تعارضات زناشویی به صورت مدلیابی معادلات ساختاری پرداخت. بنابراین، فرضیه پژوهش این بود: مدل پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس خودشناسی، عشق با میانجیگری هوش هیجانی دارای برازش مطلوب هست.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

## روش

تحقیق حاضر همبستگی از نوع مدل معادلات ساختاری می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه زوجین درگیر تعارضات زناشویی مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر تهران در محدوده سه ماه آخر سال ۱۴۰۰ بود. با استفاده از نمونه گیری خوشه ای به صورت تصادفی در دو مرحله ابتدا از بین مناطق ۲۲ گانه، منطقه ۵ انتخاب و از بین ۲۱ مرکز مشاوره منطقه ۵، ۴ مرکز مشاوره انتخاب شد. پرسشنامه‌ها با توجه به ملاحظات اخلاقی از جمله محفوظ ماندن اطلاعات شخصی و ارائه نتایج تحقیق به ایشان، توسط مسئول مراکز مشاوره به صورت مجازی در اختیار همه ی زوجین با توجه به معیار ورود و خروج قرار گرفت. ملاک ورود زوجینی بودند که یکسال از ازدواجشان گذشته بود به این خاطر که تقریباً پس از یکسال تعارضات با مواجهه زوجین در شرایط مختلف شروع می‌شود و در سالهای آتی شدت می‌گیرد و ملاک خروج، مصرف داروهای روانپزشکی و عدم تمایل به همکاری بود. در روش شناسی مدلیابی معادلات ساختاری تعیین حجم نمونه می‌تواند بین ۵ تا ۱۵ مشاهده به ازای هر متغیر اندازه گیری شده، تعیین شود (هومن، ۱۳۹۳)؛ یعنی طبق این فرمول  $5q < n < 15q$ ؛ که در آن  $q$  تعداد متغیرهای مشاهده شده یا تعداد گویه‌ها (سوالات) پرسشنامه و  $n$  حجم نمونه است. با توجه به اینکه تعداد مولفه‌ها ۱۸ بود که در ۱۴ ضرب شد و تعداد نمونه ۲۵۲ شد که با احتساب ریزش ۲۸۰ در نظر گرفته شد. در این پژوهش نهایتاً تعداد نمونه ۲۴۸ نفر (۱۱۵ زن و ۱۳۳ مرد) بود. برای بررسی و تحلیل آماری داده‌های خام از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. از آمار توصیفی برای محاسبه شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی‌ها و همچنین جداول مربوط به داده‌های جمع‌آوری شده استفاده شد. به منظور تعیین توزیع داده‌ها از کجی و کشیدگی بهره گرفته شد. با توجه به اینکه داده‌ها از توزیع‌های غیر نرمالی برخوردار بودند بر همین اساس از آزمون‌های ناپارامتریک همچون آزمون همبستگی اسپیرمن برای تعیین رابطه میان متغیرها بهره گرفته شد. تحلیل به روش مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد

حداقل مربعات جزئی با سه مرحله اصلی: ۱) برازش مدل اندازه‌گیری (روابط بین سوالات و متغیر مکنون) که شاخصهای معناداری بار عاملی، ضریب پایایی ترکیبی، میانگین واریانس استخراجی (AVE) و ماتریس فورنل و لارکر مورد ارزیابی قرار گرفت، ۲) برازش مدل ساختاری (روابط بین متغیرهای مکنون) که شاخصهای ضریب تعیین ( $R^2$ )، شاخص ارتباط پیش بین  $Q^2$ ، معیار اندازه اثر ( $f^2$ ) و ضرایب مسیر (بتا) و معناداری آن (مقادیر t-value) مورد ارزیابی قرار گرفت و ۳) برازش مدل کلی (مجموع مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری) که با شاخص GOF محاسبه شد و نهایتاً با استفاده از آزمون سوبل نقش میانجی هوش هیجانی میان هر یک از متغیرهای مستقل خودشناسی و عشق با تعارضات زناشویی مشخص شد و با تحلیل مسیر و معناداری ضرایب مسیر مدل ساختاری پژوهش تایید شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات متغیر تعارضات زناشویی پرسشنامه ثنائی و همکاران (۱۳۹۶)، خودشناسی، پرسشنامه قربانی و همکاران (۲۰۰۸)، عشق، پرسشنامه استرنبرگ (۱۹۸۶)، هوش هیجانی، پرسشنامه سیریا شرینگ (منصوری، ۱۳۸۰) بود.

**پرسشنامه تعارضات زناشویی<sup>۱</sup> (MCQ):** ثنائی ذاکر و براتی با هدف سنجیدن هفت بعد اصلی تعارضات زوجین این پرسشنامه تدوین کردند. پرسشنامه شامل ۴۲ پرسش بوده است که فرد باید به هر عبارت از ۱ تا ۵ نمره بدهد و دارای هفت مولفه: کاهش همکاری، کاهش رابطه‌ی جنسی، افزایش واکنش هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزند، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جداکردن امور مالی از یکدیگر می‌باشد. (براتی و باقر زاده، ۱۳۷۹). در ایران آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۷۱ بود. (دهقان، ۱۳۸۰) و نمرات تمامی مؤلفه‌های پرسشنامه تعارضات زناشویی از ۳/۱ تا ۰/۸۲ با نمره کل تعارضات زناشویی در سطح ۰/۱. همبستگی معناداری داشتند. (خزایی، ۱۳۸۵).

**مقیاس خودشناسی انسجامی<sup>۲</sup> (ISK):** مقیاس خودشناسی انسجامی توسط قربانی و همکاران (۲۰۰۸) ساخته شده است. این مقیاس شامل ۱۲ ماده و پاسخ در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (عمدتاً نادرست تا عمدتاً درست) است و دارای سه زیرمقیاس است که عبارتند از: خودشناسی تأملی، خودشناسی تجربی و خودشناسی انسجامی. نمره بالا در این مقیاس با ارزیابی ویژگی‌های رفتاری وابسته به خودشناسی در دگرسنجی‌ها در هر دو فرهنگ همراه بوده است و میانگین ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۸۰ بوده است. در ایران آلفای کرونباخ ۰/۸۱ بدست آمد (قربانی و همکاران، ۲۰۰۸). همچنین در سال ۲۰۱۰ نیز آلفای کرونباخ مقیاس ۰/۷۹ گزارش شده است (قربانی، کانینگهم و واتسن، ۲۰۱۰).

**مقیاس عشق مثلثی استرنبرگ<sup>۴</sup> (STLS):** استرنبرگ<sup>۵</sup> در سال ۱۹۹۷ برای سنجش عشق مقیاس عشق مثلثی استرنبرگ را ساخت. این پرسشنامه دارای ۴۵ عبارت است که فرد باید به هر عبارت از ۱ تا ۹ نمره بدهد با سه زیرمقیاس صمیمیت، شور و شوق (شهو) و تصمیم/تعهد و در نهایت هشت نوع مختلف عشق شناخته شود، وی برای محاسبه پایایی این مقیاس از روش ضریب همسانی دورنی استفاده کرد. نتایج نشان داد که ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه برابر با ۰/۹۷ بود. روایی این پرسشنامه در ایران ۰/۸۸ و ضریب آلفای کرونباخ مولفه‌های صمیمیت ۰/۹۰، عشق ۰/۹۳، تعهد ۰/۸۰ به دست آمد (حفاظی طریقه و فیروزآبادی و حق شناس، ۱۳۸۵).

1. Marital Conflict Questionnaire  
2. Integrative Self-knowledge Scale  
3. Ghorbani, Cunningham, Watson  
4. Sternberg's Triangular Love Scale  
5. Sternberg

پرسشنامه هوش هیجانی شرینگ<sup>۱</sup> (EQ): پرسشنامه هوش هیجانی اولین بار توسط شرینگ<sup>۲</sup> در سال ۱۹۹۵ طراحی شد. این پرسشنامه دارای ۷۰ سوال است. اما بعداً این پرسشنامه توسط منصورى مورد بررسی قرار گرفت که بعد از هنجار شدن در ایران، شامل ۳۳ سوال شده است. که بر روی طیف لیکرت ۵ درجه ای نمره گذاری میگردد و دارای ۵ زیرمقیاس است: خودآگاهی، خودکنترلی، هوشیاری اجتماعی یا همدلی و مهارتهای اجتماعی می‌باشد. این پرسشنامه در ایران هنجاریابی شد و میزان همسانی درونی این آزمون به روش آلفای کرنباخ ۰/۸۵ بدست آمد. همچنین میزان همبستگی درونی آزمون به روش آلفای کرنباخ ۰/۸۴ بدست آمد. (اسدی، ۱۳۸۲).

### یافته‌ها

یافته‌های آماری نشان داد که از بین پاسخگویان ۵۳/۶ درصد مرد و ۴۶/۴ درصد زن بوده اند و ۲/۴ درصد در گروه سنی زیر ۲۰ سال ۳۳/۹ درصد در گروه سنی ۲۰-۳۰ سال و ۲۵/۸ درصد در گروه سنی ۳۱-۴۰ سال و ۲۲/۲ درصد در گروه سنی ۴۱-۵۰ سال و ۱۱/۷ درصد در گروه سنی ۵۱-۶۰ سال و ۴ درصد در گروه سنی بالای ۶۰ سال قرار دارند و از بین پاسخگویان ۱۴/۹ درصد مدرک تحصیلی زیر دیپلم، ۴۵/۶ درصد، دیپلم و ۱۵/۷ درصد، فوق دیپلم و ۲۰/۲ درصد، لیسانس و ۳/۶ درصد، فوق لیسانس می‌باشند. در مطالعه حاضر متغیرهای پژوهش شامل خودشناسی با میانگین ۲/۹۸۷۹ و عشق با میانگین ۳/۰۳۶۳ و هوش هیجانی با میانگین ۲/۹۶۷۷ و تعارضات زناشویی با میانگین ۲/۳۹۹۲ در بین داوطلبین تحقیق از وضعیت نسبتاً مطلوبی (متناظر با میانگین برآورد شده)، برخوردار می‌باشد.

با توجه به آزمون کفایت نمونه گیری شاخص  $KMO = 0.782$  به دست آمد که بیشتر از ۰/۶ است پس پیش شرط کفایت نمونه مشخص گردید و بر اساس شاخص بارتلت که باید کمتر ۰/۰۵ باشد سطح معناداری یا sig عدد ۰ است لذا کفایت نمونه‌گیری تایید می‌گردد.

جدول ۱: نتایج ضریب همبستگی میان متغیرها (n=۲۴۸)

خود شناسی	تعارضات زناشویی	عشق	هوش هیجانی	
			۱	هوش هیجانی
		۱	۰/۵۲۸	عشق
	۱	- ۰/۴۹۷	- ۰/۸۳۵	تعارضات زناشویی
۱	- ۰/۵۱۴	۰/۴۲۶	۰/۵۸۴	خود شناسی

<sup>1</sup>. Emotional Intelligence Questionnaire

<sup>2</sup>. Schering

همان طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود در بین تمامی متغیرهای اصلی، همبستگی وجود دارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میان هوش هیجانی، خودشناسی و عشق با تعارضات زناشویی همبستگی معکوس برقرار است و بدین معناست که با افزایش هر یک از این متغیرها، میزان تعارضات زناشویی کاهش پیدا می‌کند. لازم به ذکر است با بررسی آماره همخطی یا تورش واریانس متغیرهای آشکار شاخص‌های بیشتر از ۵ و کمتر از ۱ وجود نداشت لذا همخطی بین شاخص‌های متغیر برقرار نیست و اثرات متغیرها غیر یکسان است.

جدول ۲: پایایی و میانگین واریانس استخراج شده متغیرهای اصلی

متغیرها	آلفا کرونباخ	پایایی مرکب	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)
تعارضات زناشویی	۰/۹۶۴	۰/۹۶۹	۰/۵۲۸
خودشناسی	۰/۹۰۷	۰/۹۲۳	۰/۵۲۰
عشق	۰/۸۴۶	۰/۸۳۲	۰/۱۸۸
هوش هیجانی	۰/۹۰۲	۰/۹۲۴	۰/۴۳۶

نتایج مربوط به پایایی و میانگین واریانس استخراج شده نیز در جدول ۲ منعکس شده است. مقادیر آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی همگی بالای ۰/۷ بدست آمده اند که نشان می‌دهد ثبات درونی بین متغیرها مناسب است و همچنین AVE میانگین واریانس استخراج شده سازه‌ها در اغلب موارد مطلوب است بجز میزان تبیین واریانس فاکتور عشق که مطلوب نیست.

جدول ۳: نتایج روایی واگرا به روش فورنل و لارکر

	تعارضات زناشویی	خودشناسی	عشق	هوش هیجانی
تعارضات زناشویی	۰/۷۲۶			
خودشناسی	-۰/۵۱۴	۰/۷۲۱		
عشق	-۰/۴۹۷	۰/۴۲۶	۰/۴۳۴	
هوش هیجانی	-۰/۸۳۵	۰/۵۸۴	۰/۵۲۸	۰/۶۶۰

در جدول ۳ نتایج بررسی روایی واگرا را به روش فورنل و لاکر (۱۹۸۱) نشان می‌دهد. ریشه دوم مقدار AVE هر سازه باید بیشتر از بالاترین همبستگی سازه با سایر سازه‌ها در مدل باشد. جذر AVE متغیرها در قطر اصلی قرار دارد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که، مقدار جذر AVE متغیرهای مکنون از مقدار همبستگی میان آن‌ها که در خانه‌های زیرین و چپ قطر اصلی، بیشتر است. لذا اینگونه استنباط می‌شود که متغیرهای مکنون تعاملی بیشتری با سوالات خود دارند تا با سازه‌های دیگر، عبارتی دیگری روایی واگرای متغیرهای مدل در حد قابل قبولی می‌باشد.

جدول ۴: ضرایب  $Q^2$  متغیرهای درونزای مدل

	$Q^2 (=1-SSE/SSO)$
تعارضات زناشویی	۰/۲۷۷
هوش هیجانی	۰/۳۲۳

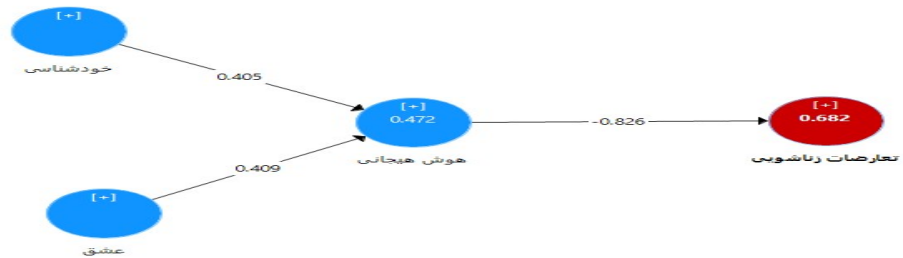
همانطور که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد، مقدار  $Q^2$  برای در سطح قوی، قابل قبول و بسیار مناسبی قرار دارد. لذا پیش بینی مدل در خصوص متغیرهای مذکور دارای قدرت مناسبی می‌باشد.

جدول ۵: نتایج برازش کلی مدل با معیار GOF

متغیرها	$R^2$	Communality	GOF
تعارضات زناشویی	۰/۶۸۲	۰/۲۷۷	۰/۴۳۹
هوش هیجانی	۰/۴۷۲	۰/۳۲۳	
میانگین	۰/۵۷۷	۰/۳	

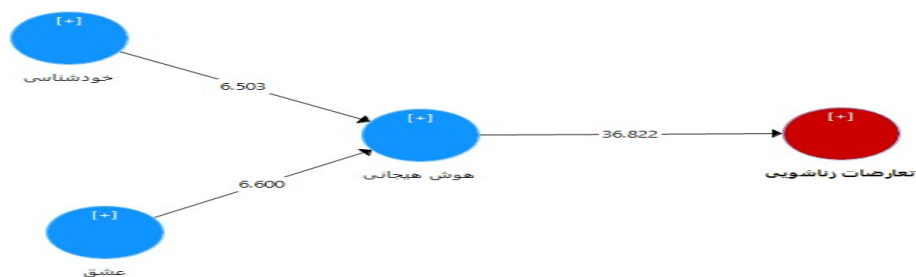
همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود مقدار شاخص GOF مدل برابر با ۰/۴۳۹ آمده است که مدل از مطلوبیت بسیار خوب و قوی برخوردار است.





شکل ۲: تحلیل مسیر (ضریب اثر رگرسیون) در مدل مفهومی پژوهش

همچنین با بررسی ضرایب میان متغیرهای پژوهش که به آن‌ها ضرایب اثر رگرسیون در روابط میان متغیرها اطلاق می‌گردد، شکل ۲ گزارش شد. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که در تمامی موارد یعنی در تمامی مسیرهایی که نمایش داده شده است مقدار ضریب رگرسیون مقدار قابل قبولی را گزارش نموده و در این میان تنها ضریب رگرسیون مربوط به تعارضات زناشویی به طور منفی گزارش شده است. شایان ذکر است علاوه بر ضرایب مسیر که نتایج مهمی را به همراه داشته است، می‌توان به ضریب تعیین نیز اشاره داشت که از طریق مقادیر عددی در درون سازه‌ها به نمایش گذاشته شده است همچنین مجموعه عواملی که در این مدل بر روی تعارضات زناشویی تاثیرگذار بودند، می‌توانند به میزان ۶۸/۲ درصد از تغییرات تعارضات زناشویی را تبیین نمایند.



شکل ۳: مدل ترسیم شده پژوهش همراه با ضرایب معناداری t

نتایج در شکل ۳ نیز نشان می‌دهد که در تمامی مسیرها، مقدار ضریب معناداری بالاتر از ۱/۹۶ است.

جدول ۶: نتایج آزمون Sobel برای بررسی نقش میانجی

Z-Value	خطای استاندارد مسیر میانجی و وابسته	خطای استاندارد مسیر مستقل و میانجی	ضریب مسیر میانجی و وابسته	ضریب مسیر مستقل و میانجی	مسیر دارای واسطه هوش هیجانی
-۶/۵۷۴	۰/۰۵۱	۰/۰۴۸	-۰/۸۲۶	۰/۴۰۵	خودشناسی - تعارضات زناشویی
-۶/۲۲۴	۰/۰۵۴	۰/۰۵۴	-۰/۸۲۶	۰/۴۰۹	عشق - تعارضات زناشویی

برای بررسی نقش میانجی هوش هیجانی در روابط میان متغیرهای خودشناسی، عشق با تعارضات زناشویی از آزمون سوبل بهره‌گیری شد و با توجه به نتایج بدست آمده در جدول ۶ در سطح اطمینان بالا می‌توان معنادار بودن تأثیر میانجی متغیر هوش هیجانی را تأیید نمود؛ زیرا مقدار قدرمطلق آماره Z بالاتر از ۱/۹۶ در تمامی موارد گزارش شده است.

### بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی عوامل تعارضات زناشویی به بررسی مدل پیش بینی تعارضات زناشویی بر اساس خودشناسی، عشق با میانجیگری هوش هیجانی پرداخت و نتایج نشان دادند که ضریب همبستگی بین خودشناسی، عشق با میانجیگری هوش هیجانی با کاهش تعارضات زناشویی معنادار و مثبت است و مدل دارای برازش مطلوب هست که نشان می‌دهد هر چه فرد خودشناسی و عشق بالاتری داشته باشد، هوش هیجانی درون فرد بیشتر می‌شود و تعارضات زناشویی به این واسطه کمتر خواهد شد.

یافته‌های پژوهش با پژوهش‌های هاگان و گوردون<sup>۱</sup> (۲۰۲۰)، باجاج و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۹)، امیدبیک و همکاران (۲۰۱۵)، قربانی و همکاران (۲۰۱۵)، اوانس و همکاران (۲۰۲۰)، صادقی و همکاران (۱۴۰۱)، بزازیان (۱۳۹۷)، کارانداگ و گودا (۲۰۱۵)، کاسپ برگز<sup>۳</sup> (۲۰۲۱)، کمینت و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۲۰)، حاجیان و نائینیان (۲۰۲۰) همسواست.

مطالعات نشان می‌دهد، خودشناسی منسجم می‌تواند با واسطه بهبود حرمت خود موجب افزایش رضایت زناشویی شود. با توجه به اینکه خودشناسی منسجم آگاهی و کوشش در جهت فهم هیجان‌ات، رفتارها، عملکردهای عقلانی، خلقیات و حالت‌های بدنی را شامل می‌شود، مهارتی به مراتب مفیدتر و کامل‌تر از خودآگاهی که به عنوان یک بعد هوش هیجانی است و ارتباط آن با رضایت زناشویی زوجین، ضرورت ورود آن به آموزش‌های زوجین را قبل و بعد از ازدواج نشان می‌دهد (امیدبیک و همکاران،

1. Hogan, Gordon

2. Bajaj, Gupta, Sengupta

3. Cassepp-Borges

4. Clemente, Gandoy-Crego, Bugallo-Carrera, Reig-Botella, Gomez-Cantorna

۲۰۱۵). افرادی که از خودشناسی بالایی برخوردار هستند، توانایی بیشتری برای کنترل افکار و اعمال تکانه ای خود دارند (عکس العمل نشان ندادن) آن‌ها آگاهانه تر به محیط خود پاسخ می‌دهند، بنابراین، رفتارهای منفی در روابط آن‌ها کاهش یافته و در نهایت روابط رضایت بخش‌تری را تجربه می‌کنند. همچنین توانایی تحلیل تجارب گذشته، استفاده و انسجام آن در طرح‌های کنش و واکنش، موجب توانمندی هر چه بیشتر افراد در حل تعارضات زندگی زناشویی می‌شود و ذهن آگاهی و خودشناسی منسجم می‌تواند به افراد برای داشتن ذهنی منعطف و آزاد از هر گونه کنش‌ها و واکنش‌های عاداتی نامناسب در جهت خلق روابطی سالم کمک کند (قربانی و همکاران، ۲۰۱۵). همچنین ذهن آگاهی و خودشناسی می‌تواند هوش هیجانی را بالا ببرد و عملاً در کاهش تعارضات زناشویی تاثیر گذار خواهد بود و افرادی که آگاهی هیجانی بیشتری را گزارش داده اند، توانایی بیشتری در نظم دهی هیجانات، بیان آن‌ها و همدلی بیشتر در ازدواج و روابط جنسی خود داشتند، در نتیجه رضایت زندگی زناشویی بالاتری را گزارش می‌دهند (امیدیکی و همکاران، ۲۰۱۵ و اروز و دنیز<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰) که با توجه به نتیجه ی پژوهش هماهنگ است.

نیاز به عشق و تعلق یکی از خصوصیات اصلی بشر است و از اساسی ترین نیازهای انسان از کودکی تا پیری است و در زندگی زناشویی نزدیکی بین دو نفر زمانی رخ می‌دهد که به یکدیگر پاسخگو باشند و خود را فاش کنند و با فرایند تعاملی نهایتاً تکامل ویژگی های ذاتی انسان از جمله پیوند زدن، جفت گیری ذاتی، دلبستگی و مراقبت از خود صورت می‌گیرد و عشق تلفیق صمیمیت، اشتیاق، و تعهد است و روندی برای کشف معنا در زندگی و رشد فردی و اجتماعی است (کورودوتیس، ۲۰۱۵) و با طول مدت ازدواج مولفه صمیمیت و اشتیاق افزایش می‌یابد (مولکو و لیمبو و آناکاکا<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰). با توجه به اهمیت اثر سائق در فرمول یادگیری هال مولفه شوق و اشتیاق که به نوعی به سائق جنسی بر می‌گردد، می‌تواند به عنوان یکی از مهمترین عوامل در جهت تداوم رابطه زناشویی سود برساند (صادقی، ۱۳۹۸) و زمانی که افراد با افزایش خودشناسی، عشق و هوش هیجانی در رابطه قرار بگیرند، می‌توانند با آگاهی میل و شوق (که به نوعی غریزه یا سائق جنسی است) را با مدیریت خود، افزایش دهند و شور و هیجان رابطه با گذشت طول مدت ازدواج نه تنها کمتر نشود بلکه بیشتر نیز خواهد شد، به عبارتی ازدواج یا حداقل زندگی مشترک با شریک، تشکیل شده از یک استراتژی تکاملی پایدار، سازگاری را به حداکثر می‌رساند (دیلون<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵).

در تبیین کاهش تعارضات زناشویی با میانجیگری هوش هیجانی با افزایش خودشناسی و عشق می‌توان از رویکرد یونگ کمک گرفت به این ترتیب که در فرایند تفرد پس از شناخت کهن الگوهای پرسونا، سایه (خودشناسی) باید جنبه های متضاد شخصیت از جمله آنیما و آنیموس (شناخت و تجربه عشق به عنوان یک فرافکنی) به تعادل برسند که مشکل ترین مرحله در فرایند تفرد و تحقق خود است، زیرا بیانگر بیشترین تغییر در خود انگاره ی ما است. پذیرفتن ویژگی های عاطفی هر دو جنس، منابع خلاقیت را می‌گشاید و به عنوان رهایی نهایی از تاثیرات والدین، خدمت می‌کند و به عقیده ی فروید، فرد با احیای تضاد ادیپوس کمتر به فرافکنی های والدین عمل می‌کند و تمایل بیشتری برای برقراری ارتباط دارد (کاظمیان، ۱۳۹۱). همچنین این پژوهش عملاً با مراحل رشد اریکسون قابل تبیین است و نشان می‌دهد که یکی از عوامل مهم تعارضات زناشویی به عبارتی تثبیت و یا ماندن در مراحل رشد کودکی است که با ارتقاء فاکتورهای خودشناسی، عشق و افزایش هوش هیجانی می‌توان به مرحله ی فردیت یا هویت رسید که لازمه ی رسیدن به مرحله عشق و صمیمیت در مراحل رشد اریکسون است. بطوریکه در مراحل رشد اریکسون از

1. Erus, Deniz

2. Muloko, Limbu, Anakaka

3. Dillon

سالگی ۳ تا ۲۳ سالگی، ۳ تا ۶ سالگی و ۱۱ تا ۱۸ سالگی، ۱۸ تا ۱۸ سالگی و ۱۸ تا ۳۵ سالگی به ترتیب نیروی اعتماد، نیروی استقلال، هویت جنسی - عزت نفس و شایستگی، وفاداری (تعهد) و صمیمیت (عشق) بایستی ایجاد شود تا فرد به مراحل رشدی بالاتر دست یابد، اما اکثر افراد به دلیل عدم آگاهی در شناخت خود و ماهیت عشق به دلیل درگیری های والدین در سنین کودکی و به دلیل عدم آموزش در دوره ی نوجوانی و جوانی به نیروی مراحل بعد یعنی ۳۵ تا ۵۵ سالگی و ۵۵ به بعد که به ترتیب نیروی زاینده‌گی و خرد را برای افراد به همراه خواهد داشت، کمتر خواهند رسید که تنها عواملی هستند که انسان را به مرحله صلح و یکپارچگی می‌رسانند، لازم به ذکر است که در نظریه ی فروید این مراحل رشد انرژی لیبیدو (جنسی) و یا در نظریه ی یونگ مراحل رشد انرژی زندگی در وجود انسان است که در هر مرحله با توجه به نظریه ی اریکسون، وظیفه ای دارند که اگر به انجام نرسد در مراحل رشد بعدی فرد دچار بحران در رشد خود خواهد شد و تحقق فردیت و هویت و... در او مشکل ساز خواهد شد (صادقی، صلاحیان، صالحی، ۱۴۰۱). جنبه های درونی روان انسان به نوعی همان انرژی زندگانی است که ماهیتا از سنخ و جنس انرژی جنسی نیست، بلکه فقط صورتی از انرژی است، اما هنگامی که در اندامهای جنسی جریان پیدا کند، قدرتش را در مرکز جنسی خود تجربه کرده و می‌توان آنرا به فرم انرژی جنسی احساسی تجربه کرد. هنگامیکه همان انرژی در مرکز احساسات و عواطف تجربه شود، به شکل عشق (عشق هورمونی) احساس می‌شود و هنگامیکه انرژی در مرکز تفکر و منطق تجربه شود، به شکل بصیرت و آگاهی (نیروی خرد) و یا کشف و شهود و دریافت های درونی تجربه می‌شود. در اصل این صورتهای مختلف همان انرژی زندگانی واحد هستند که به طرق متفاوت در قسمت‌های مختلف وجود انسان تجربه و احساس می‌شوند (صادقی، صلاحیان، ۱۴۰۱).

با توجه به نتایج پژوهش حاضر در می‌یابیم که افزایش خودشناسی و افزایش هوش هیجانی و شناخت عشق با هدف تغییر سطح انرژی و افزایش نیروی وفاداری و ایجاد تعهد که محصول کسب هویت یا فردیت است (که با سه فاکتور مهم یعنی داشتن شغل، نظام ارزشی انتخابی و هویت جنسی رضایت بخش به عنوان مهمترین عامل، خود را نشان می‌دهد)، تحقق مثلث عشق کامل استرنبرگ را با سه ضلع شوق، تعهد و صمیمیت ایجاد می‌کند، بنابراین، با توجه به نتایج این پژوهش مشاهده می‌شود که افزایش خودشناسی و عشق بین زوجین موجب بالا رفتن هوش هیجانی فرد می‌شود و این عامل با توجه به نظریه اریکسون نیروهای اعتماد، استقلال و عزت نفس را به همراه خواهد داشت که همگی برای ایجاد هویت و کسب نیروی وفاداری و رفتن به مرحله بالاتر رشد ضروری هستند تا با خود به صلح برسند و بتوانند در روابط خود، عشق کامل را با دیگری تجربه کنند که این پیامد خود، موجب کاهش تعارضات زناشویی خواهد شد. یکی از محدودیتهای پژوهش، همزمان شدن آن با انتشار ویروس کرونا و در دسترس نبودن آزمودنی ها بود، با این حال شاهد افزایش تعارضات زناشویی به جهت اینکه خانواده ها بایستی در کنار هم در قرنطینه باشند، هم بودیم و از طرفی نتایج این پژوهش به دلیل نداشتن محدودیت در معیارهای ورود مثل سن، تحصیلات، قدرت تعمیم یافتگی بیشتری را می‌تواند داشته باشد. با توجه به نتیجه ی این پژوهش و اثرات متغیرهای عشق، خودشناسی با میانجیگری هوش هیجانی در کاهش تعارضات زناشویی می‌توان پیشنهاد داد تا با تدوین پروتکل‌های آموزشی و درمانی با هدف افزایش خودشناسی و عشق و افزایش دادن هوش هیجانی زوجین بتوان در کاهش تعارضات زناشویی و پدید آوردن یک رابطه ی سالم، ضمن ایجاد محیطی مناسب برای رشد فردی زن و مرد، محیطی برای پرورش فرزندان و جامعه ای سالم را برای همگان انتظار داشت و راهکارهای گسترده ای را در روان روان درمانی ارائه داد.

## تقدیر و تشکر

بدین وسیله از تمام زوجینی که در این پژوهش شرکت کردند تشکر می‌کنیم. همچنین از همکاری مراکز مشاوره سپاسگزاریم.

## منابع

- امیدیکی، مهسا، خلیلی، شیوا، غلامعلی لوسانی، مسعود. و قربانی، نیما. (۱۳۹۳). رابطه‌ی ذهن آگاهی و خودشناسی منسجم با رضایتمندی زناشویی. *روانشناسی*، ۳ (۱۸)، ۳۲۷-۳۴۱.
- براتی باقرزاده، طاهره. (۱۳۷۹). *تاثیر تعارضات زناشویی بر روابط متقابل زن و شوهر*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد رودهن.
- بزازیان، سعیده، خان محمدی، ذبیح اله، امیری مجد، مجتبی، قمری، محمد. (۱۳۹۷). نقش واسطه‌ای عملکرد خانواده در رابطه بین نیازهای اساسی روانشناختی، انتظارات زناشویی و تعهد زناشویی. *روانشناسی معاصر*، ۲ (۱۳): ۱۵۸-۱۶۸.
- ثنایی، باقر. (۱۳۸۷). *نقش خانواده اصلی در ازدواج فرزندان*. تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ۲، ۱۴۳-۱۳۲.
- ثنایی، باقر، علاقمند، ستیلا، فلاحتی، شهره. و هومن، عباس. (۱۳۹۶). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. انتشارات بعثت، ص ۲۴۲.
- جاوید، نصرت اله. (۱۳۹۲). *چکیده انسان‌شناسی و خودشناسی: رازها و نیازهای انسان*. تهران: کدیور.
- حفاظی طریقه، میترا. فیروزآبادی، علی. حق شناس، حسن. (۱۳۸۵). بررسی ارتباط بین اجزا عشق و رضایتمندی زوجی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران*. ۵۴ (۱۶): ۹۹-۱۰۹.
- خزایی، مهدی. (۱۳۸۵). *بررسی رابطه بین الگوهای ارتباطی با تعارضات زناشویی دانشجویان دانشگاه تهران*. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره. دانشگاه خاتم
- دهقان، فاطمه. (۱۳۸۰). *مقایسه تعارضات زناشویی زنان متقاضی طلاق با زنان مراجعه کننده برای مشاوره زناشویی*. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- صادقی، ایران، صلاحیان، افشین، صالحی، مهدیه. (۱۴۰۱). مدلیابی تعارضات زناشویی بر اساس خودشناسی، عشق و هوش هیجانی با میانجیگری تمایز یافتگی. *خانواده پژوهی شهید بهشتی*، ۱۸ (۲): ۳۰۹-۳۳۲.
- صادقی، ایران، صلاحیان، افشین، صالحی، مهدیه. (۱۴۰۱). نقش خودشناسی، عشق و هوش هیجانی در پیش بینی تعارضات زناشویی. *فرهنگ مشاوره و روان درمانی، دانشگاه علامه طباطبایی*، ۱۳ (۵۰): ۶۹-۹۷.
- صادقی، ایران. (۱۳۹۸). *عشق آموزش می‌خواهد: فرمولی برای عشق با استفاده از کاملترین فرمول یادگیری کلارک هال*. تهران: وانا.
- قهاری سید محله، فرشاد. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین عشق ورزی، هوش هیجانی و کیفیت روابط زوجین در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد ساری. *کنفرانس پژوهش‌های نوین ایران و جهان در مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم انسانی*، دانشگاه شوشتر. <https://www.sid.ir/paper/895691/fa>
- کاظمیان، سمیه. (۱۳۸۷). *بررسی اثربخشی آموزش خودمتمایزسازی بر کاهش میزان اضطراب فرزندان خانواده‌های طلاق*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- کاظمیان، سمیه. و اسمعیلی، معصومه. (۱۳۹۱). *بررسی اثربخشی آموزش خودمتمایزسازی بر کاهش میزان اضطراب فرزندان خانواده‌های طلاق*. *پژوهش در سلامت روانشناختی*، ۴ (۶)، ۵۳-۵۹.
- کاظمیان مقدم، کبری، مهربانی زاده هنرمند، مهناز، کیامنش، علیرضا. و حسینیان، سمین. (۱۳۹۷). رابطه علی تمایز یافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی با دلزدگی زناشویی از طریق میانجی‌گری تعارضات زناشویی و رضایت زناشویی. *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۳۱ (۹)، ۱۴۶-۱۳۱.
- گودرزی، محمود. (۱۳۹۸). *پیش بینی میزان احتمال پیمان‌شکنی در روابط زناشویی بر اساس سطح تمایز یافتگی، عملکرد خانواده و دلزدگی زناشویی*. *پژوهش‌های مشاوره*، ۷۱ (۱۷)، ۱۰۰-۸۲.
- Bajaj, B. Gupta, R. Sengupta, S. (2019). Emotional Stability and Self-Esteem as Mediators Between Mindfulness and Happiness. *Journal of Happiness Studies*( 20), 2211-2226.
- Barati Bagherzadeh, T. (2000). *The Impact of Marital Conflict on Marital Relationships*. [M.Sc. Thesis]. Tehran: Roodehen Azad University. [in Persian]

- Bazazian, S. Khan Mohammadi, Z. Amiri Majd, M. Qamari, M. (2018). The mediating role of family functioning in the relationship between basic psychological needs, marital expectations and marital commitment. *Contemporary Psychology*. (13), 2: 158-168. [in Persian]
- Carandang, M. N. S. Guda, I.V.P. (2015). "Indicators of Marital Satisfaction of Batangueño Couples: Components of Love and the Other External Factors in Marriage", *International Journal of Information and Education Technology*, 1( 5), 60- 67.
- Cassepp-Borges, V. (2021). Should I Stay or Should I Go? Relationship Satisfaction, Love, Love Styles and Religion Compatibility Predicting the Fate of Relationships. *Sexuality & Culture*, 1-13.
- Clemente, M., Gandoy-Crego, M., Bugallo-Carrera, C., Reig-Botella, A., & Gomez-Cantorna, C. (2020). Types of love as a function of satisfaction and age. *PsyCh journal*, 9(3), 402-413.
- Dehghan, F. (2001). *Comparison of marital conflicts of women seeking divorce with women referring to marital counseling*. [Master Thesis in Counseling]. Tehran: Tarbiat Moallem University. [in Persian]
- Erus, S. M., & Deniz, M. E. (2020). The mediating role of emotional intelligence and marital adjustment in the relationship between mindfulness in marriage and subjective well-being. *Pegem Eğitim ve Öğretim Dergisi*, 10(2), 317-354.
- Evans, T. R., Hughes, D. J., & Steptoe-Warren, G. (2020). A conceptual replication of emotional intelligence as a second-stratum factor of intelligence. *Emotion*, 20(3), 507.
- Ghahari Seyed Mahalla, F. (2017). Investigating the relationship between lovemaking style, emotional intelligence and the quality of couples' relationships in married students of Sari Azad University. *Conference on modern research in Iran and the world in management, economics, accounting and humanities*.
- Ghorbani, N., Cunningham, C. J. L., & Watson, P. J. (2010). Comparative analysis of integrative self-knowledge, mindfulness, and private self-consciousness in predicting responses to stress in Iran. *International Journal of Psychology*, 45, 147-154.
- Ghorbani, N., Watson, P. J., & Hargis, M. B. (2008). Integrative Self-Knowledge Scale: Correlations and incremental validity of a cross-cultural measure developed in Iran and the United States. *The Journal of Psychology*, 142(4), 395-412.
- Ghorbani, N., Watson, P. J., Fayyaz, F., & Chen, Z. (2015). Integrative self-knowledge and marital satisfaction. *The Journal of Psychology*, 149(1), 1-18.
- Goodarzi, M. (2019). Predicting the probability of breach of contract in marital relationships based on the level of differentiation, family functioning and marital boredom. *Consulting Research*, 71 (17), 82-100. [in Persian]
- Hajian, M., & Naeinian, M. R. (2020). Predicting the signs of sexual desire/arousal in women with their attachment and differentiation styles mediated by marital conflicts. *Journal of Clinical Psychology*, 12(3), 77-88.
- Hajnal, J. (2017). *European marriage patterns in perspective*. Routledge, 101-144.
- Hefazi Torqabeh M, Firoozabadi A, Haghshenas H. *Investigating the relationship between the components of love and marital satisfaction*. *Journal of Mazandaran University of Medical Sciences (University Letter)*. 2006; 54 (16): 99-109. [in Persian]
- Hogan, J, N. Gordon, C, L. (2020). "Six of One, Half a Dozen of Another" or Do Mindfulness and Gratitude Each Add Unique Value to Relationship Functioning?. *Contemporary Family Therapy*( 42), 299–304.
- Hosseini, A., Rasouli, M., Davarniya, R., & Babaeigarmkhani, M. (2016). The effect of group training based on practical application of intimate relationship skills program on marital relationships quality. *Jornal of Ilam University of Medical Sciennces*, 8-17.
- Javid, N. (1392). *Abstract Anthropology and Self-Knowledge: Secrets and Needs of Man*. Tehran: Kadivar. [in Persian]
- Kazemian Moghadam, K., Mehrbizadeh Artman, M., Kiamanesh, A. and Hosseinian, S. (2017). The causal relationship of differentiation, meaningfulness of life and forgiveness with marital dissatisfaction through the mediation of marital conflict and marital satisfaction. *Psychological Methods and Models*, 31(9), 131-146. [in Persian]
- Kazemian, S. (2008). *Evaluation of the effectiveness of self-differentiation training on reducing the anxiety of children of divorced families*. [Master Thesis]. Tehran: Allameh Tabatabai University. [in Persian]
- Kazemian, S. and Ismaili, M. (2011). Investigating the effectiveness of self-differentiation training on reducing anxiety in children of divorced families. *Research in Psychological Health*, 4(6), 59-53 . [in Persian]
- Khazaei, M. (2006). *Investigating the Relationship between Communication Patterns and Marital Conflict of University of Tehran Students*. [ Master Thesis in Counseling]. Tehran: Khatam University. [in Persian]



- Kordoutis, P. (2115). Love and Intimacy, Psychology. *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, 375-381.
- Mansoori, B. (2001). *Standardization of Siber or Schering Emotional Intelligence Test in Tehran University Students*. [Master Thesis]. Tehran: Allameh Tabatabaei University. [in Persian]
- Mbwirire, J. (2017). Causes of marital conflicts in Christian marriages in Domboshawa area, *Mashonaland East Province*, Zimbabwe, 196.
- Mohammadi, S., Hafezi, F., Ehteshamzadeh, P., Eftekhari Saadi, Z., & Bakhtiarpour, S. (2020). Effectiveness of schema therapy and emotional self-regulation therapy in the components of women's marital conflicts. *Journal of Client-centered Nursing Care*, 6(4), 277-288.
- Muloko, E., Limbu, R., & Anakaka, D. L. (2020). The Difference Of The Triangular Theory Of Love In Married Women Judging From The Length Of Marriage. *Journal of Health and Behavioral Science*, 2(4), 264-276.
- Omidbeki, M., Khalili, Sh., Gholam Ali Lavasani, M., Ghorbani, N. (2015). The relationship between mindfulness and coherent self-knowledge with marital satisfaction. *Psychology*, 3 (18), 341-327. [in Persian]
- Pietromonaco, P. R., Overall, N. C., Beck, L. A., & Powers, S. I. (2021). Is low power associated with submission during marital conflict? Moderating roles of gender and traditional gender role beliefs. *Social Psychological and Personality Science*, 12(2), 165-175.
- Sadeghi, I., Salahian, A., Salehi, M. (1401). Modeling marital conflicts based on self-knowledge, love and emotional intelligence with the mediation of differentiation. *Shahid Beheshti Family Research*, 18(2): 309-332. [in Persian]
- Sadeghi, I., Salahian, A., Salehi, M. (1401). The role of self-knowledge, love and emotional intelligence in predicting marital conflicts. *Culture of Counseling and Psychotherapy, Allameh Tabatabaei University*, 13(50): 69-97. [in Persian]
- Sadeghi, A. (2018). *Love Takes Training: A Formula for Love Using Clark Hall's Ultimate Learning Formula* Tehran: Vania. [in Persian]
- Sadeghi, I. (2019). *Love wants education: A formula for love with using Clark Hall's most complete learning formula*. Tehran: Vania. [in Persian]
- Sanaei, B., Alaghmand, S., Falahati, Sh., Hooman, A. (2017). *Family and marriage scales*. Tehran: Besat, 242. [in Persian]
- Sternberg, R. J. (1997). Construct validation of a triangular love scale. *European Journal of Social Psychology*. (27): 313±335.
- Tolorunleke, C. A. (2014). Causes of marital conflicts amongst couples in Nigeria: Implication for counselling psychologists. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 140, 21-26.